



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۰۵

نویسنده: ن . جلیل زاد

استقلال طلبی در عصر امانی پیوند آزادی با عدالت اجتماعی

استقلال طلبی در تاریخ افغانستان تنها یک حرکت سیاسی مقطعی نبود، بلکه ریشه در حافظه جمعی مردمی داشت که قرن ها برای حفظ آزادی، هویت و کرامت خویش جنگیده بودند .

در میان همه دوره های تاریخی، عصر امانی جایگاهی به خصوص دارد، زیرا در این دوره استقلال نه تنها به عنوان یک دستاورد سیاسی، بلکه به مثابه یک پروژه اجتماعی، فرهنگی و عدالت محور تعریف شد .

سردار ترقی شاه امان الله خان، با ذهنیتی نوگرا و اراده ای استوار، استقلال را از سطح شعار به سطح ساختارهای دولت و جامعه کشاند و کوشید آزادی را با عدالت اجتماعی پیوند دهد، پیوندی که تا امروز یکی از بنیادی ترین مباحث در تاریخ سیاسی افغانستان به شمار می رود.

در آغاز قرن بیستم، افغانستان در میان رقابت های استعماری «بازی بزرگ» قرار داشت. هرچند جنگ های سه گانه افغان انگلیس استقلال داخلی کشور را حفظ کرده بود، اما سیاست خارجی همچنان زیر نفوذ بریتانیا باقی مانده بود . این وضعیت برای جامعه ای که آزادی را بخشی از هویت تاریخی خود می دانست، قابل پذیرش نبود .

در چنین شرایطی، شاه امان الله خان در سال ۱۹۱۹ به قدرت رسید و با جسارت اعلام کرد که افغانستان باید استقلال کامل داشته باشد، استقلالی که نه از راه امتیازگیری، بلکه از مسیر اراده ملی و مبارزه سیاسی به دست می آید. اعلام استقلال در ۲۸ اسد ۱۲۹۸ خورشیدی، نقطه آغاز دورانی شد که در آن افغانستان برای نخستین بار توانست به عنوان یک دولت مستقل در عرصه جهانی ظاهر شود.

اما امان الله خان استقلال را تنها به معنای رهایی از سلطه خارجی نمی دانست . او باور داشت که استقلال سیاسی بدون اصلاحات اجتماعی و عدالت پایدار نمی ماند . از همین جا بود که پروژه بزرگ اصلاحات آغاز شد، پروژه ای که هدف آن ساختن یک جامعه باسواد، عادلانه، قانون مدار و توانمند بود .

در نگاه امانی، آزادی و عدالت دو روی یک سکه بودند . او می گفت جامعه ای که در آن بی سواد، نابرابری و استبداد محلی حاکم باشد، نمی تواند استقلال را حفظ کند . بنابراین، اصلاحات آموزشی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی در دستور کار قرار گرفت.

در عرصه آموزش، امان الله خان گام هایی برداشت که در آن زمان در منطقه بی سابقه بود . تأسیس مکاتب جدید، گشودن دروازه های آموزش به روی دختران، اعزام محصلان به خارج و ایجاد نظام آموزشی مدرن، همه بخشی از تلاش او برای ساختن نسلی آگاه و توانمند بود. او باور داشت که آگاهی، ستون اصلی آزادی است و جامعه بی سواد همیشه در معرض سلطه داخلی و خارجی قرار می گیرد .

این اصلاحات، هرچند با مقاومت روبه رو شد، اما مسیر آینده افغانستان را روشن تر ساخت.

در کنار آموزش، اصلاحات حقوقی و قضایی نیز جایگاه مهمی داشت .

تدوین نخستین قانون اساسی افغانستان، محدود کردن قدرت های خودسرانه محلی، ایجاد محاکم قانون مدار و تلاش برای برقراری عدالت، همه نشان دهنده این بود که امان الله خان می خواست آزادی را از سطح سیاسی به سطح حقوقی و اجتماعی گسترش دهد .

او می خواست شهروندان افغانستان نه رعیت، بلکه صاحب حق باشند، حتی که قانون از آن محافظت کند . این نگاه، افغانستان را از یک ساختار سنتی به سمت دولت ملت مدرن سوق می داد.

در عرصه اقتصاد نیز اصلاحات گسترده ای آغاز شد .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني دلیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

تلاش برای ایجاد صنایع کوچک، اصلاح مالیات ها، تشویق تجارت آزاد و کاهش وابستگی اقتصادی به بیگانگان، بخشی از برنامه او برای ساختن اقتصادی مستقل بود .

امان‌الله خان می دانست که استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی دوام نمی آورد .

او می خواست افغانستان از کشوری مصرف کننده و وابسته، به کشوری تولیدکننده و پویا تبدیل شود.

در کنار این اصلاحات، تغییرات فرهنگی و اجتماعی نیز بخش مهمی از پروژه امانی بود. ترویج حقوق زنان، مبارزه با رسوم محدودکننده، معرفی ارزش های مدرن در کنار حفظ هویت ملی، و تلاش برای ایجاد جامعه ای بازتر و عادلانه تر، همه نشان دهنده این بود که امان‌الله خان استقلال را تنها در مرزهای جغرافیایی نمی دید، بلکه در ذهنیت و رفتار جامعه نیز جست وجو می کرد. او می خواست افغانستان به کشوری تبدیل شود که در آن انسان ها با کرامت زندگی کنند و فرصت های برابر داشته باشند.

با این حال، اصلاحات امانی با چلنج های جدی روبرو شد .

ساختار قبیله‌ای جامعه، نفوذ روحانیون محافظه کار، تحریکات خارجی به خصوص از سوی بریتانیا، و سرعت بالای اصلاحات که با ظرفیت اجتماعی هماهنگ نبود، همه دست به دست هم داد تا مقاومت گسترده ای شکل گیرد .

این مقاومت ها در نهایت به سقوط حکومت امانی انجامید، اما اندیشه او هرگز از میان نرفت .

میراث او در تاریخ افغانستان همچنان زنده است.

استقلال سیاسی کشور، نخستین قانون اساسی، اصلاحات آموزشی و فرهنگی، و اندیشه پیوند آزادی با عدالت اجتماعی، همه از دستاوردهای اوست.

امروز، وقتی از استقلال سخن می گوئیم، باید به یاد داشته باشیم که استقلال تنها رهایی از سلطه خارجی نیست .

استقلال یعنی جامعه باسواد، اقتصاد توانمند، عدالت اجتماعی، مشارکت سیاسی، احترام به حقوق زنان و مردان، و دولت پاسخ گو و قانون مدار .

این همان آرمانی است که سردار ترقی و استقلال شاه امان‌الله خان برای آن مبارزه کرد و نسل های بعدی را به ادامه آن فراخواند .

عصر امانی، با همه فراز و نشیب هایش، یکی از درخشان ترین فصل های تاریخ افغانستان است. فصلی که در آن آزادی و عدالت، دوش به دوش هم، برای ساختن آینده ای روشن تر تلاش کردند.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد